



پادشاهی خدا به کودکان هم تعلق دارد

(برنامه شاگردسازی کودکان)

درس ۵

خانواده نوح و کشتی: واکنش خدا در برابر اطاعت



درس ۵: خانواده نوح و کشتی: واکنش خدا در برابر اطاعت

پیشگفتار

اطاعت موضوعی بحث برانگیز است. بعضی از خانواده‌ها انتظار دارند که کودکانشان از آنها اطاعت کنند و آماده‌اند تا وقتی که کودکان مرتکب اشتباهی می‌شوند، به آنها تعلیم دهند. بعضی‌ها می‌خواهند کودکان همیشه از آنها اطاعت کنند! در غیر این صورت، با آسیب یا تنبیه شدید مواجه می‌شوند. بعضی از خانواده‌ها معتقدند که کودکان فقط باید از زندگی لذت ببرند و در خانه خود و جامعه، مثل یک پرنده آزاد باشند. در نتیجه، کودکان با توجه به شرایط و نتیجه انتخاب‌هایشان تصمیم می‌گیرند که از بزرگ‌ترها اطاعت یا ناطاعتی کنند. برخی از کودکان همیشه از روی ترس اطاعت می‌کنند و برخی دیگر، ناطاعتی می‌کنند؛ چون هرگز در مورد درست و غلط بودن نتایج کارهایشان چیزی یاد نگرفته‌اند.

درباره اطاعت کردن، روش‌ها و نتایج مختلف زیادی وجود دارند. اما این روزها، اغلب اوقات اطاعت به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف در نظر گرفته می‌شود. والدین می‌پرسند: «چرا ما باید از دیگران اطاعت کنیم؟ چرا نمی‌توانیم در هر زمانی که می‌خواهیم، همان کسی باشیم که خودمان می‌خواهیم؟ چرا باید قوانینی برای کودکان و انتظاراتی از آنها داشته باشیم؟ کودکان خیلی کوچک و درمانده هستند، این‌طور نیست؟ آنها فقط به محبت و مراقبت نیاز دارند تا در این دنیا رشد کنند. آزادی، کلید رشد سالم آنهاست.»

اما پدر ما، خدایی که در آسمان است، در کلامش به فراوانی درباره اطاعت صحبت می‌کند. در عهدعتیق، داستان‌های زیادی درباره اشخاص مطیع مطرح شده است که به ما نشان می‌دهند خدا چگونه به‌خاطر اطاعت‌شان به آنها پاداش داد. همچنین، داستان‌های زیادی درباره اشخاص نامطیع آورده شده که نشان می‌دهند با انتخاب مسیر ناطاعتی، چه اتفاقی برایشان افتاد.



البته ممکن است بگوییم که دوران عهدعتیق سپری شده و هیچ ارتباطی با دنیای امروز ما ندارد. اما، ما به عنوان پیروان عیسی مسیح، باید ایمان داشته باشیم که این مطالب به همان اندازه برای ما مفید است که برای مخاطبین آن زمان. درست نیست که عهدعتیق را بی ارزش بدانیم، زیرا حقایق بسیاری را بیان کرده و نمونه‌های بی‌شماری را به ما نشان می‌دهد. نمونه‌هایی که در عصر حاضر نیز بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند. عیسی می‌گوید که به این دنیا نیامده که شریعت را نابود کند (روش عهدعتیق)، بلکه آن را تأیید کند. (متی ۵: ۱۷) همچنین، کتاب مقدس به ما می‌گوید: «تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است.» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶)

هر بخش، هدفی دارد و درسی را به ما می‌آموزد. پس ما باید دربارهٔ اطاعت به کودکان خود تعلیم دهیم. خدا در کلامش نمونه‌های زیادی به ما داده است. مانند ابراهیم که اطاعت کرد و سرزمین و قوم خود را رها کرد، موسی که اطاعت کرد و اسرائیلی‌ها را از مصر خارج کرد، نوح که با وجود طعنه و تمسخر مردم محلی؛ یک کشتی بزرگ ساخت، و حتی عیسی که تا مرز رنج از پدر اطاعت کرد و بر روی صلیب جان داد. اطاعت برای خدا مهم است و برای ما برکاتی را با خود می‌آورد!

چه کسی می‌خواهد برکات خدا را از دست بدهد؟ من نمی‌خواهم، شما هم نمی‌خواهید و قطعاً کودکان هم نمی‌خواهند. پس بگذارید به کودکان خود تعلیم دهیم که خدا چه انتظاری از آنها دارد، بگذارید به آنها تعلیم دهیم که چگونه اطاعت کنند، بگذارید از آنها انتظار داشته باشیم که اطاعت کنند و به خاطر انجام این کار به آنها پاداش دهیم! اطاعت در پادشاهی خدا مهم است. بگذارید که این پادشاهی را برای کودکان خود باز کنیم؛ چون به آنها نیز تعلق دارد (متی ۱۹: ۱۴). بگذارید که مانع آنها نشویم! خدا به خاطر انجام این کار به شما و به آنها برکت خواهد داد!



نگاهی به کتاب مقدس:

پیدایش ۹:۱۷-۱:۶

آیه کلیدی:

پیدایش ۹:۶ «نوح مردی بود پارسا و در روزگار خویش بی‌عیب. نوح با خدا راه می‌رفت.»



مفهوم کلیدی:

وقتی ما، فرزندان محبوب خدا، او را محبت کرده و از او اطاعت می‌کنیم، او از ما خوشحال شده و به‌خاطر این اطاعت، ما را برکت می‌دهد.



اهداف درس (دانستن، احساس کردن، انجام دادن)

- ۱- بدانند که نوح، مردی بود پارسا که از خدا اطاعت کرد و به همین دلیل، خدا او را از سیل بزرگی که همه چیزهای روی زمین را نابود کرد، محافظت کرد. او با نوح عهدی بست که نشانه آن یک رنگین‌کمان بود.
- ۲- احساس کنند که آنها هم می‌توانند با دوست داشتن خدا و اطاعت کردن از وی، او را خوشحال کنند.
- ۳- راه‌هایی را برای اطاعت از خدا پیدا کرده، تلاش کنند که هر روز این کار را انجام دهند..



وسایل مورد نیاز:

- کتاب مقدس
- کیسه / سبد هدایا
- سرودهای پرستشی کودکان
- خوراکی
- کارت‌هایی برای یادداشت کردن، مداد
- کارت‌های تصاویر داستان خانواده نوح و کشتی
- وایت بُرد (تخته سفید) یا کاغذ،
- کارت‌های داستان نوح
- تصویر واقعی از سیل‌هایی که در دنیا اتفاق افتاده
- الگوی کشتی نوح، چوب‌های مخصوص کاردستی، ماژیک، چسب



خوشامدگویی:

- سرود خوشامدگویی
- خوراکی: خوراکی‌هایی را به بچه‌ها بدهید که نیاز به تمیزکاری بعد از خوردن نداشته باشند.
- مانند آب میوه و بیسکویت. زمانی را برای خوردن خوراکی‌ها تعیین کنید: مثلاً ۱۰ دقیقه.
- زمان گفت‌وگو: با بچه‌ها درباره هفته‌ای که داشتند صحبت کنید. از آنها بپرسید چه کارهایی کردند، چه احساسی داشتند و... نشان دهید که به آنها اهمیت می‌دهید.
- در مورد درس هفته گذشته از آنها سؤال کنید.



پرستش و هدیه:

- سرودهایی درباره نوح یا اطاعت
- جمع‌آوری هدیه بچه‌ها (به یک سبد یا کیسه برای جمع‌آوری هدایا نیاز دارید. به آنها بگویید که این هدایا را به عنوان پرستشی برای خدا جمع‌آوری و از آن برای کمک به دیگران استفاده می‌کنید).



رمز قدرت ما

در هر توفان و سختی خدا محافظ ماست همگی مانند نوح گوش به فرمانشیم (۲بار) از آسمون بارون و روی زمین سیل بیاد می‌خوام نجات بدم من فرزندان خدا را گاو و اسب و زرافه حتی پرنده‌ها رو اونها رو چندتاچند تا سوار کشتی بکن» در هر توفان و سختی خدا محافظ ماست همگی مانند نوح گوش به فرمانشیم دست‌به‌دست هم دادن کشتی رو با هم ساختن یه جای امنی بودن اون سیل خروشان اومد آسمون آبی شد و رنگین کمون در اومد خدا رو پرستیدن خوشحال و شاد و خندون

اطاعت از خداوند رمز قدرت ماست خداوند پدر ماست ما فرزندانشیم یک روز خدا به نوح گفت: «قراره توفان بیاد باید که تو بسازی یک کشتی غول‌آسا نه تنها خونوات حتی حیوونا رو وقتی کشتی رو ساختی حیوونا را صدا کن اطاعت از خداوند رمز قدرت ماست خداوند پدر ماست ما فرزندانشیم اطاعت از خدا کرد نوح پسراشو صدا کرد همه تو کشتی بودن وقتی که توفان اومد بعد از چهل‌شبانه‌روز بارون دیگه نبارید کشتی به خشکی رسید همه اومدن بیرون



دعا برای درس:

درس را با دعا شروع کنید. خدا را به‌خاطر همه حیواناتی که سالیان پیش آفریده است، شکر کنید. او را شکر کنید که به ما اهمیت می‌دهد و آنقدر ما را دوست دارد که از ما در برابر آسیب‌ها محافظت می‌کند. امروز درحالی‌که یاد می‌گیرند خدا چگونه نوح را از نابودی نجات داد، از خدا بخواهید که به آنها کمک کند تا درک کنند که او چقدر آنها را دوست دارد و به آنها اهمیت می‌دهد و در نتیجه ما را نجات می‌دهد.



قلاب (جلب توجه آنها)

بگویید: «می‌تونین اسم چند تا از حیوانایی رو که می‌شناسین به من بگین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند و درحالی‌که این اسامی را به شما می‌گویند، آنها را روی کارت بنویسید.) خیلی خُب، می‌دونین چه صدایی از خودشون درمیارن؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) خیلی خوبه. شما حیوونا رو خوب می‌شناسین! حالا یه بازی داریم. اسمش معما یا پانتومیم حیواناته (توضیح بدهید و اگر بچه‌ها مفهوم آن را نمی‌دانند، به آنها نشان بدهید). آماده‌این؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) بیاین با هم بازی کنیم.»

«کی دوست داره که داوطلب بشه؟ (منتظر شوید که پاسخ بدهند. اگر خجالت می‌کشند که بازی کنند، تأکید کنید که همه ما با صداها و کارهای خنده‌دار نمایش اجرا می‌کنیم، همه ما با هم کارهای مسخره انجام می‌دهیم. اجازه ندهید که در کلاس‌تان دیگران را مسخره کنند.) باشه، عالی، بیا اینجا (برای شروع یکی از بچه‌ها را انتخاب کنید). حالا، من می‌خوام یه کارت بهت نشون بدم. نمی‌تونی به دوستات بگی که این چه حیوونیه، باشه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهد.) فقط می‌تونی نمایش اجرا کنی و اونا باید حدس بزنن. آماده‌این؟ (اجازه دهید که آماده شوند.) 1، 2، 3، شروع کن!»

(اجازه دهید که کودک پانتومیم آن حیوان را اجرا کند و بچه‌های دیگر حدس بزنند. برای اینکه هرج و مرج کمتری داشته باشید، از آنها بخواهید که برای پاسخ‌دادن، دست خود را بلند کنند. فقط کسانی که دستشان را بلند کرده‌اند، اجازه دارند جواب دهند. سعی کنید به همه کسانی که می‌خواهند بازی کنند، این فرصت را بدهید، اما مجبورشان نکنید. ایجاد اعتماد به نفس و حفظ آن، کلید کار است؛ چون اعتماد بچه‌ها را جلب می‌کند.)

بگویید: «آفرین به همه! خیلی خوب نمایش حیوونا رو اجرا کردین! من عاشق حیوونا هستم، شما چطور؟ حیوون مورد علاقه شما چیه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) من ... دوست دارم (به آنها بگویید که شما چه حیوانی را دوست دارید). من خیلی خوشحالم که خدا خیلی وقت پیش، حیوونا رو آفرید. می‌دونستین که چند سال بعد از آفرینش حیوونا، سیلی اومد که می‌تونست همه حیوونا و آدما رو از بین ببره؟ بله، این اتفاق افتاد. اما خدا از حیوونا و خانواده نوح محافظت کرد و به خاطر همین امروز ما اینجا هستیم. جالبه، مگه نه؟»



کتاب (بر اساس درسی از کتاب مقدس)

بگویید: «امروز می‌خواهیم درباره نوح یاد بگیریم. اینکه خدا چطوری از خونادش و همه حیوانی روی زمین محافظت کرد. آیا قبلاً این داستان رو شنیدین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) فکر کنم شنیده باشین، ولی بیاین امروز گوش کنیم و ببینیم که آیا با چیزی که قبلاً یاد گرفتین فرق داره یا نه.»

«داستان نوح توی قسمت عهدعتیق کتاب مقدسه. توی همون کتابی که داستان آفرینش و اولین گناه هست و ما چند وقت پیش درباره‌شون یاد گرفتیم. یادتون میاد که اسم این کتاب چی بود؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) بله، پیدایش. این کتاب، داستان همه چیزاییه که اون اول اول اتفاق افتاد! اون موقع خیلی چیزها اتفاق افتاد، مگه نه! بیاین با هم ببینیم...»

«خیلی وقت پیش، همون طور که می‌دونین، خدا دنیا و همه چیزای توی اون رو آفرید و از همه آفریده‌هاش خیلی خیلی خوشحال بود. اما با گذشت زمان و با زیاد شدن آدمای روی زمین، خدا خیلی غمگین شد، چون آدمای زیادی بودن که کارهای خیلی بدی می‌کردن. به نظر می‌رسید که اونا آفریننده خودشون رو فراموش کرده بودن. آفریننده‌ای که اونا رو خیلی دوست داشت و می‌خواست به اونا حیات ابدی (همیشگی) بده. اما مثل اینکه اونا خیلی دوست داشتن دروغ بگن، به دیگران آسیب برسونن، بگشندن و از همدیگه دزدی کنن. اونا از انجام این کارا خیلی هم خوشحال بودن. خدا همه این کارای بد رو دید، چون همون طور که می‌دونین، او همه چیز رو می‌بینه و نمی‌شه هیچ چی رو ازش قایم کرد. این کار خدا رو خیلی خیلی غمگین کرد. به نظرتون جالب نیست که خدا هم احساس داره؟ مثلاً خوشحال یا غمگین می‌شه، درست مثل ما؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) این به این خاطره که ما شبیه خدا آفریده شدیم.»

«خدا، درحالی‌که به آدمای نگاه می‌کرد، با خودش فکر کرد: "با این آدمای چی کار کنم؟ اونا واقعاً من رو یادشون رفته! براشون مهم نیست که از من اطاعت کنن. اونا به من هیچ اهمیتی نمی‌دن!" خدا نگاه کرد و نگاه کرد، اما نتونست کسی رو پیدا کنه که دوستش داشته باشه. ولی بالاخره یکی رو پیدا کرد، یه مردی به اسم نوح. خدا همین‌طور که با دقت بهش نگاه می‌کرد، متوجه شد که: "یکی هست که منو دوست داره و از من اطاعت می‌کنه. پس من نجاتش می‌دم. من از نوح خوشحالم." بنابراین، خدا تصمیم گرفت که نوح و خونوادش رو نجات بده (تصویر نوح را در حال دعا نشان دهید، تصویری که



زنش در پشت اوست و مردی که با نوح بدرفتاری می‌کند).»

«خدا تصمیم گرفته بود یه سیلی بفرسته که همه چیز رو بپوشونه و بقیهٔ آدما و همهٔ چیزهای اون دنیای نافرمان و گمراهی که خدا از اون بالا می‌دید رو نابود کنه. می‌دونین سیل چیه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) تا حالا سیل دیدین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) سیل معمولاً توی بیابون نمیا، چون توی بیابون آب زیادی نیست. مگه نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) حُب، سیل آب خیلی زیادیه که جاری می‌شه و همهٔ چیزایی رو که سر راهشه، می‌پوشونه. سرعت این آب خیلی زیاده! خیلی هم بزرگه و آدما نمی‌تونن توش شنا کنن (تصاویر سیل‌های واقعی که در دنیا اتفاق افتاده را نشان بدهید).»

«قبل از اینکه خدا این سیل خیلی بزرگ که همهٔ زمین رو می‌پوشوند بفرسته، به نوح گفت که ازش خوشحاله و او رو از این سیل نجات میده. خدا به نوح گفت که یه کشتی خیلی خیلی بزرگ بسازه. خدا همهٔ جزئیات ساختن این کشتی رو به نوح گفت. اینکه پهناش چقدر باشه، بلندیش چقدر باشه، درها کجا باشن، کشتی رو با چی بپوشونه تا آب توش نره و خلاصه هر چیزی که برای امنیتش لازم بود رو بهش گفت. بعد خدا به نوح گفت که این کشتی برای او و خونواده‌ش، چون اونا عاشق خدا بودند و از او اطاعت کردند، به اونا آسیبی نمی‌رسه.»

«بعد خدا به بهشون گفت که 2 تا دونه از همهٔ حیواناتی که روی زمین زندگی می‌کنند رو با خودشون بیارن. از هر نوع پرنده، مار، خرس و هر نوع حیوانی که در زمان نوح روی زمین راه می‌رفت یا پرواز می‌کرد. این حیوانات خیلی زیادند، مگه نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). به‌نظرتون چند تا بودند؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بعد می‌دونید چی شد؟ خدا بهش گفت که انواع غذاها رو توی اون کشتی بذاره تا خودشون و حیوانات، تا وقتی که توی کشتی هستند، چیزی برای خوردن داشته باشن. می‌تونید تصور کنید که چطوری این همه حیوان و غذا توی این کشتی جا شده بودند؟ حتماً که این کشتی خیلی خیلی بزرگ بوده، مگه نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند).»

«حالا نوح می‌تونست انتخاب کنه که به خدا کم‌محلی کنه و اون کشتی رو نسازه. شاید نوح باور نداشت که یه سیل بزرگ میاد، شاید نمی‌خواست همهٔ این حیوانا و غذاها رو توی یه کشتی جمع کنه و



باهاشون توی یه کشتی زندگی کنه؛ چون این کار احمقانه به نظر می‌رسید، مگه نه؟ تازه، آدما هم داشتن مسخرش می‌کردن (اجازه دهید که پاسخ دهند).

«اما می‌دونین چی شد؟ نوح از خدا اطاعت کرد. او شروع کرد به ساختن کشتی (تصویر نوح و خانواده‌اش را در حال ساختن کشتی نشان دهید). او سخت کار کرد! خیلی سال کار کرد تا این کشتی رو بسازه. می‌دونین تو این مدت، چه اتفاقی افتاد؟ آدمای دیگه بهش می‌خندیدن و مسخره‌اش می‌کردن. اونا فکر می‌کردن که نوح دیوونه شده. آخه چطور ممکنه که سیل بیاد. قبلاً هیچ‌وقت چنین اتفاقی نیفتاده بود. نوح الان باید از زندگی با خونوادش لذت ببره، مگه نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند).»

«حُب، خدا رو شکر که نوح به حرف مردم اهمیت نداد و این کار رو نکرد. او به خدا گوش کرد و اون کشتی بزرگ رو ساخت. وقتی که کشتی کامل شد، خداوند بهش گفت که توی کشتی بره و همه حیوونا رو دوتادو تا سوار کنه. وقتی همه سوار شدن، نوح همه غذاهایی رو که برای سفرشون لازم داشتن، توی کشتی گذاشت و آخر سر، خودش و خونوادش سوار کشتی خیلی بزرگی شدن که ساخته بود (تصاویر نوح و حیوانات را در حال ورود به کشتی نشان دهید، آنها می‌توانند نام بعضی از حیواناتی را که می‌شناسند و صدای آنها را در حال ورود به کشتی، بگویند). بعد نوح در رو بست و منتظر سیل شد.»

«فکر می‌کنین که بعدش چه اتفاقی افتاد؟ آیا بارون اومد؟ یا خدا فقط می‌خواست نوح رو امتحان کنه و ببینه که آیا اطاعت می‌کنه یا نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). حُب، بارون شروع شد، اولش خیلی آروم می‌بارید، ولی بعدش خیلی زیاد شد تا اینکه همه زمین رو پوشوند. دیگه هیچ کوهی دیده نمی‌شد. همه کوه‌ها رفته بودن زیر آب. می‌تونین تصور کنید که حتی کوه‌ها هم زیر آب رفته بودن؟ این آب خیلی زیادیه. در واقع، بارون 40 روز و 40 شب، بدون اینکه بند بیاد، می‌بارید (تصویر کشتی را نشان بدهید که روی آب شناور است و باران می‌بارد).»

«زمین نتونست همه این آب‌ها رو جذب کنه، پس هیچ راهی نبود، جز اینکه سیل بیاد. آب خیلی زیادی بود! اما می‌دونین چی شد، کشتی‌ای که نوح ساخته بود، به‌خوبی روی آب شناور بود. اونا روی همه این آب‌ها قرار گرفتن و خدا ازشون محافظت کرد! هیچ چیزی نبود که بخواد اونا رو نگران کنه، چون خدا بهاشون بود. خدا برای اونا نقشه خوبی داشت و اونا با خیال راحت به این نقشه اعتماد کردن. تنها کاری



که باید می‌کردن، اطاعت بود! می‌دونین برای کسایی که اطاعت نکردن، چه اتفاقی افتاد؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) اونا توی سیل از بین رفتن. آگه اونا هم مثل نوح خدا رو دوست داشتن و فقط از خدا اطاعت می‌کردن، حتماً نجات پیدا می‌کردن. اما چه انتخاب بدی کردند، مگه نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.)»

«یه روز، وقتی که همه اونا هنوز توی کشتی بودن، بارون بند اومد. اما وقتی که به بیرون نگاه کردن، دیدن که همه زمین پُر از آب شده. اونا هنوز بالای آب‌ها شناور بودن. پس صبر کردن و صبر کردن. تقریباً یه سال صبر کردن. این زمان خیلی زیادیه، مگه نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) به همون اندازه‌ای که شما باید صبر کنین تا یه سال بزرگ‌تر بشین.»

«کم‌کم آب‌ها شروع کردن به پایین‌رفتن. کشتی روی قلّه یک کوه (کوه آرارات) قرار گرفت و اونا فهمیدن که به‌زودی می‌تونن از کشتی بیرون برن. هر چند روز یک‌بار، درحالی‌که نوح منتظر بود از کشتی خارج بشه، پرنده‌هایی رو می‌فرستاد تا ببینه که می‌تونن یه زمین خشک پیدا کنن یا نه (تصاویر نوح را در حال آزادسازی پرنده‌ها نشان دهید). نوح می‌دونست که آگه اونا زمین خشک پیدا کنن، دیگه به کشتی بر نمی‌گردن. اما همه اونا برگشتن! یکی‌شون هم با یه شاخه به نوکش برگشت (تصویر پرنده با شاخه‌ای در نوکش را نشان دهید). تا اینکه یه روز، این پرنده دیگه برگشت و نوح فهمید که حالا می‌تونن از کشتی خارج بشن. حالا اونا می‌تونستن آزاد باشن و دوباره زندگی‌شون رو شروع کنن.»

«پس در کشتی رو باز کردن و اول نوح با خونوادش از کشتی خارج شدن، بعد حیوونا (تصاویر نوح و حیوانات را در حال ترک کشتی نشان دهید). لحظه خیلی خوشحال‌کننده‌ای بود! چقدر راحت شدن که از اون کشتی قدیمی و بدبو آزاد شدن! به‌نظرتون چه چیزی کشتی رو بدبو می‌کرد؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) درسته، همه حیوونایی که بیشتر از یه‌سال‌ونیم اون تو بودن. می‌تونین تصور کنین؟ شما دوست دارین این کار رو بکنین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) نه، احتمالاً نمی‌خواین.»

«می‌دونید اولین کاری که نوح انجام داد چی بود؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) پرستش خدا. نوح دید که اون بارون چقدر قوی بود و دید که خدا چطوری ازش محافظت کرد. این به این خاطر بود که نوح عاشق خدا بود و از او اطاعت کرد. او برای این کار شکرگزاری و خدا رو پرستش و ستایش کرد! چه روز



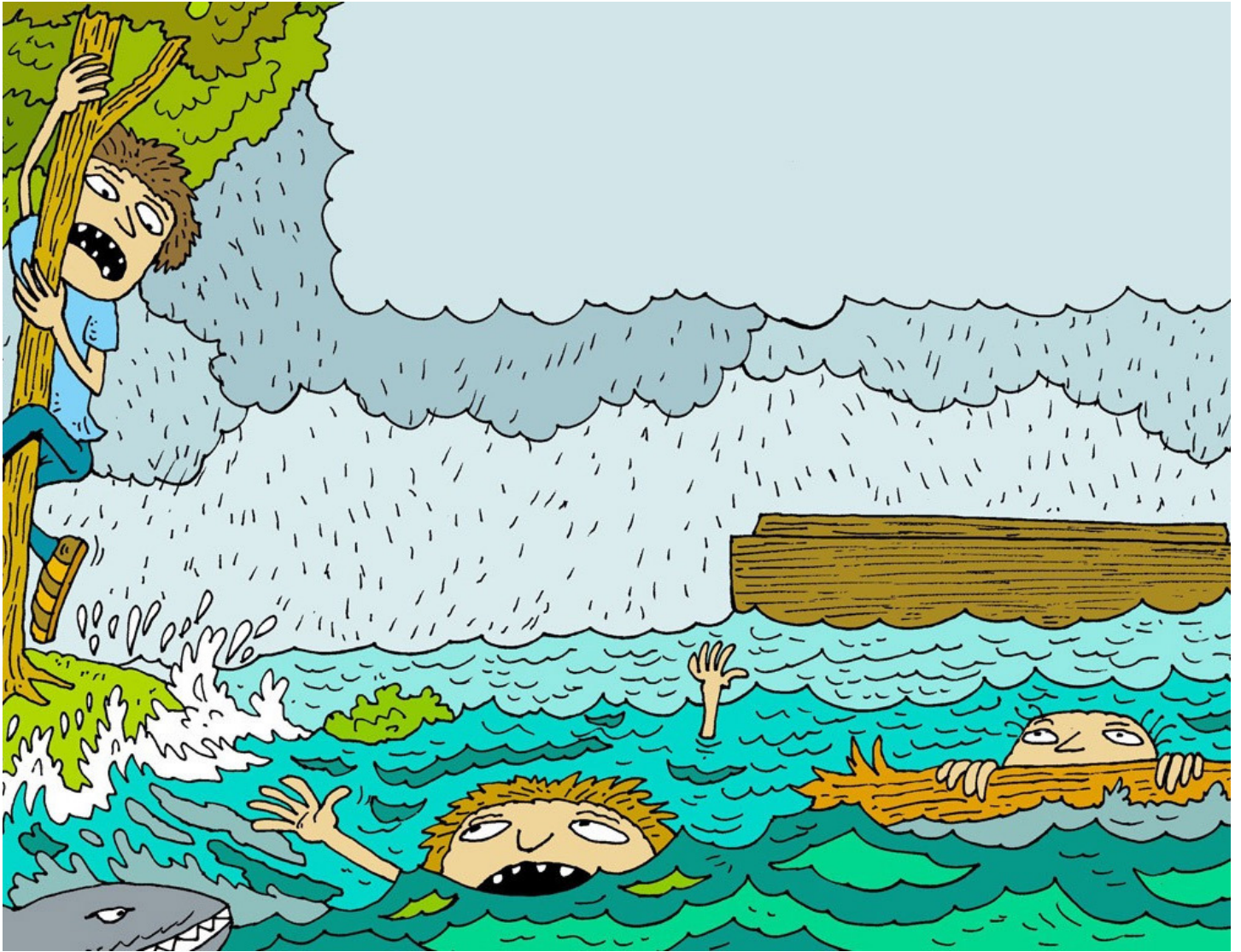
شادی بود! می‌دونین چطوری باید خدا رو پرستش و ستایش کنین؟ می‌تونین به من نشون بدید! (بچه‌ها را تشویق کنید که به شما نشان دهند چگونه خدا را پرستش می‌کنند.)»

«وقتی خدا خوشحالی نوح و خنوادش رو دید، همین‌طور دید که اون سیل همه جا رو از بین برده، تصمیم گرفت که به نوح یه قولی بده. پس گفت: "من دیگه هرگز زمین رو با سیل نابود نمی‌کنم و به نشونه قولم با شما، یه رنگین‌کمون توی آسمون بهتون می‌دم. این رنگین‌کمون، قولی رو که امروز به شما دادم، به یادتون میاره و وقتی بچه‌ها و نوه‌هاتون این رو ببینن، اونا هم یادشون میاد که اینجا چه اتفاقی افتاد و من قول دادم که دیگه هیچ وقت همه زمین رو با سیل از بین نبرم." (تصویر نوح و رنگین‌کمان را نشان بدهید.) چه قول زیبایی! پس خوبه که دیگه نترسیم چون سیلی مثل سیل زمان نوح هیچ‌وقت دیگه قرار نیست اتفاق بیفته.»













ببین (تفکر درباره کاربرد آن)

بگویید: «حالا می‌خوام به شما یه دسته کارت بدم. این کارت‌ها درباره نوح و کشتی بزرگیه که ساخت (یک دسته از کارت‌های داستان را به دو نفر از بچه‌ها، یا دو گروه از بچه‌ها بدهید. هر کارت، کشتی و یک چیز دیگه را نشان می‌دهد که در فهرست ذکر شده است). ازتون می‌خوام که کارت‌های داستان رو به ترتیب داستانی که شنیدین، کنار هم قرار بدین. هر کی که اول از همه کارت‌ها رو به ترتیب قرار بده، یه جایزه می‌گیره (برای جایزه می‌تونید آنها را بغل کنید؛ یا یک چیز کوچک مثل عکس برگردان یا آبنبات و... به آنها بدهید). بذارین ببینم که چقدر این داستان رو یاد گرفتین. آماده‌این؟ باشه، شروع کنین (اجازه دهید کارت‌ها را به ترتیب قرار بدهند. ببینید که چقدر این داستان را یاد گرفته‌اند).»

«حالا که این داستان رو به ترتیب کنار هم قرار دادین، به نظرتون اولین کاری که انجام شد، چی بود؟ اولین کاری که نوح انجام داد چی بود؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بله، یه کشتی ساخت. چرا این کشتی رو ساخت؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). چون خدا بهش گفته بود. نوح از خدا اطاعت کرد. این خیلی مهمه، مگه نه؟ وقتی ما از خدا اطاعت می‌کنیم، خدا خوشحال می‌شه.»

«بعد از اینکه کشتی ساخته شد، چه اتفاقی افتاد؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بله، او وارد کشتی شد، همه حیوونا، دوتا دوتا وارد شدن. چرا اونا وارد کشتی شدن؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). بله، چون خدا به نوح گفته بود. نتیجه این کار چی بود؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). اونا از سیل نجات پیدا کردن. خدا اونا رو برکت داد و ازشون در برابر این سیل محافظت کرد. خدا دوست داره و می‌خواد به کسانی که عاشقش هستن و ازش اطاعت می‌کنن، کمک کنه.»

«به نظر شما ما چطور می‌تونیم از خدا اطاعت کنیم؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند. اگر ممکن است، این پاسخ‌ها را بنویسید). همه این نظرات خیلی خوبن و راه‌های خوبی برای اطاعت کردن. می‌خوام این هفته تشویقتون کنم که سعی کنین همه این کارها رو انجام بدین و اطاعت از خدا رو توی خونه؛ توی مدرسه؛ وقتی که بازی می‌کنین و خلاصه توی هر کاری که انجام می‌دین، تمرین کنین. فکر می‌کنین که می‌تونین این کار رو برای من و برای خدا انجام بدین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). می‌خواین که خدا رو خوشحال کنین؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند). عالیه! من خیلی مشتاقم که هفته دیگه که همدیگه رو می‌بینیم،



ازتون در مورد اینکه تمرین خوب پیش رفت یا نه بشنوم. خیلی عالیه که خدا رو خوشحال کنیم، مگه نه؟ (اجازه دهید که پاسخ دهند.) وقتی ما از خدا اطاعت می‌کنیم، او همیشه از ما مراقبت می‌کنه، همون‌طور که از نوح، خونوادش و همهٔ اون حیوونا به‌خوبی مراقبت کرد. بعد از این، هر وقت یه رنگین‌کمون می‌بینید، قول خدا یادتون بیاد که گفته همیشه از ما محافظت می‌کنه!»



دعا برای نیازهای کودکان:

از بچه‌ها بپرسید که چه نگرانی‌هایی دارند و از بچه‌های دیگر بخواهید که برای آنها دعا کنند. نباید هیچ فشار و اجباری وجود داشته باشد. فقط بپرسید که چه کسی داوطلب این کار می‌شود. اگر هیچ داوطلبی نبود، معلم خودش برای آنها دعا کند. هیچ نیازی بیش از اندازه کوچک نیست و هیچ کس نباید به خاطر نیازها یا درخواست‌هایش مورد انتقاد یا تمسخر قرار گیرد. وقتی بچه‌ها حرف‌های دلشان را در کلاس مطرح می‌کنند، اطمینان حاصل کنید که رفتار محترمانه و مورد اهمیت واقع شدن وجود داشته باشد. این کلاس باید مکانی امن برای بیان حرف‌های کودکان باشد. همچنین، از آنها بخواهید چیزهایی را که می‌خواهند به خاطر آن از خدا تشکر یا او را ستایش کنند، مطرح کنند. شاید این هفته اتفاق خوبی برای آنها افتاده که به نوعی می‌توانند عمل خدا را در زندگی‌شان ببینند. خیلی خوب است بچه‌ها را تشویق کنید که از سنن کم «برکات» خود را شمرده و خدا را به خاطرشان شکر کنند. بدین وسیله، سپاسگزار خدا، که شایسته آن است، هستند و خدا را با شکرگزاری پرستش می‌کنند.



آیه حفظی:

اکنون زمان خوبی برای یادگرفتن یک آیه است. آنها را تشویق کنید که آن را به خاطر بسپارند. (آیه حفظی، همان آیه کتاب مقدس است که در بالا عنوان شد).



بَر (آن را در عمل به کار ببرید)

کاردستی کشتی اطاعتِ نوح

شما به الگوی کشتی نوح بر روی یک مقوا (رنگی یا ساده)، ماژیک، چسب و چوب‌های مخصوص کاردستی، نیاز دارید.

وسایل را نشان داده و بگویید: «این کشتی نوحه، اما هنوز کامل نشده. ما می‌خوایم این کشتی رو با چوب‌های کاردستی تکمیل کنیم. اما اول باید روی هر کدوم از این چوب‌ها بنویسیم که چطور می‌تونیم یا می‌خواهیم که از خدا اطاعت کنیم. بنویسیم چه کاری می‌تونیم انجام بدیم تا خدا رو خوشحال کنیم. بعد از اینکه روی چوب‌ها نوشتیم، می‌تونیم اونا رو روی کشتی بچسبونیم و با خودتون به خونه ببریم تا یادتون بمونه که قول دادین از خدا اطاعت کنیم (بچه‌های کوچک‌تر، برای نوشتن به کمک شما نیاز دارند، اما کاملاً این توانایی را دارند که به شما بگویند چگونه می‌توانند از خدا اطاعت کنند. هر آنچه را که می‌گویند، بپذیرید. پاسخ‌های آنها را کوچک نشمارید. خدا به ایمان یک بچه احترام می‌گذارد و سادگی آنها را دوست دارد). تشویقتون می‌کنم هر چیزی رو که احساس می‌کنیم، بنویسیم؛ چون خدا می‌تونه به شما نشون بده که چطور خوشحالش کنیم. همه چیزهایی که نوشتیم، برای خدا قابل قبوله؛ چون هیچ چیزی براش بی‌اهمیت یا خیلی پیچیده نیست. این بین شما و خداست (اجازه بدهید که کاردستی خود را تکمیل کنند).»

وقتی کارشان تمام شد، به آنها بگویید: «مطمئنم این توانایی رو دارید که از خدا اطاعت و خوشحالش کنید. تشویقتون می‌کنم این هفته توی خونه، چیزهایی رو که نوشتید، انجام بدید. این کار رو می‌کنید؟ (اجازه دهید پاسخ دهند). عالیه! خدا به خاطر این کار شما رو با آرامش خودش پُر می‌کنه و برکت‌تون میده. هفته دیگه می‌تونید از تجربه‌هاتون برامون تعریف کنید (آنها می‌توانند هفته آینده در مورد اینکه چالش‌هایشان چطور پیش رفت و چه احساسی داشتند از اینکه از خدا اطاعت کردند، با شما صحبت کنند).»



فعالیت‌های اضافه:

- نقاشی کردن به جای تصاویر کتاب داستان
- سرودهایی که با آن بتوانید حرکات مخصوص بسازید. مثلاً در جایی دست بزنید، پای بکوبید، با تغییر حالت صورت احساسی را نمایش دهید و... .
- یک رنگین کمان نقاشی کنید یا از کاغذکشی برای ساختِ کلاژ رنگین کمان استفاده کنید. (اگر این کاردستی را گروهی انجام می‌دهید و اندازه‌اش بزرگ است، می‌توانید آن را در کلاس آویزان کرده و روی آن عبارت «قول خدا» را بنویسید.)
- با استفاده از آب، حیوانات، یک کشتی و آدمک‌ها، زمانی را به آب بازی اختصاص دهید تا آنها بتوانند این داستان را با شخصیت‌های ارائه شده، به نمایش درآورند.
- بازی «مامان می‌گه» را انجام دهید تا اطاعت از دیگران را تمرین کنند. روش بازی: یک نفر را به‌عنوان مامان انتخاب کنید. او چیزی بگوید و بقیه آن را انجام دهند. مثلاً: مامان می‌گه: «دو قدم به طرف جلو بیا.» بعد همه باید دو قدم به جلو بردارند! مامان می‌گه: «دست راست بالا.» بعد همه باید دست راست‌شان را بالا ببرند! بچه‌ها می‌توانند برای نقش مامان داوطلب شوند.

راهنمایی‌هایی برای تنظیم فعالیت‌ها بر اساس سنین پایین‌تر یا بالاتر:

برای زیر ۴ سال:

- کاردستی «خدا به قول‌های خود عمل می‌کند» را بسازید. از تکه‌های بُریده‌شده و مداد شمعی استفاده کنید. آنها می‌توانند این کشتی را با حیوانات پُر کنند. قبل از کلاس، این قطعات را بُرید تا آنها فقط رنگ آمیزی کنند.
- مجسمهٔ حیوانات را برای آنها تهیه کنید تا با آنها بازی کنند؛
- برگه‌های رنگ آمیزی.

برای بالای ۱۱ سال:

- از آنها بخواهید که در تعهدنامه‌ای به خدا؛ بنویسند که چگونه از او اطاعت خواهند کرد. همچنین، می‌توانند در دفتری دربارهٔ چالش‌ها و موفقیت‌هایشان در اطاعت از خدا بنویسند.



ارزیابی درس: خودآزمایی

- ۱- آیا بچه‌ها توانستند بعد از کلاس این داستان را با کلمات خود تعریف کنند؟
- ۲- آیا بچه‌ها متوجه شدند که وقتی اطاعت می‌کنیم، خدا خوشحال شده و به ما این توانایی را می‌بخشد که اطاعت کردن از او را انتخاب کنیم؟ آیا قول دادند که این هفته سعی کنند از خدا اطاعت کنند؟
- ۳- آیا کودکان احساس کردند که دوست داشتن خدا و اطاعت کردن از وی، می‌توانند او را خوشحال کنند؟
- ۴- آیا بچه‌ها احساس کردند که خودخواهی، برای خدا و دیگران، رفتار ناخوشایندی است؟
- ۵- آیا بچه‌ها به موضوع توجه داشتند و توانستند فعالیت‌ها را با علاقه و بدون کلافگی یا کمبود وقت انجام دهند؟
- ۵- آیا توانستند کاردستی را خودشان بدون دخالت معلم تکمیل کنند؟ (کمک کنید، اما دخالت نکنید.)
- ۶- آیا بچه‌ها بعد از این فعالیت‌ها دلگرم و تشویق شدند، یا احساس شرمساری کردند؟ (در اینجا لازم است که آنها را تشویق کنید.)



تکلیف در منزل برای کودکان

- دیگران را با بیان این مطلب که چقدر برای خدا و برای شما خاص هستند، تشویق کنید. به چیزهایی فکر کنید که آنها را از بقیه متمایز می‌کند. خدا را به خاطر خلقت و چیزهایی که از آن لذت می‌برید، شکر کنید.
- آیهٔ حفظی را به خاطر بسپارند (در این قسمت، جایزه آنها را تشویق می‌کند).



خداحافظی:

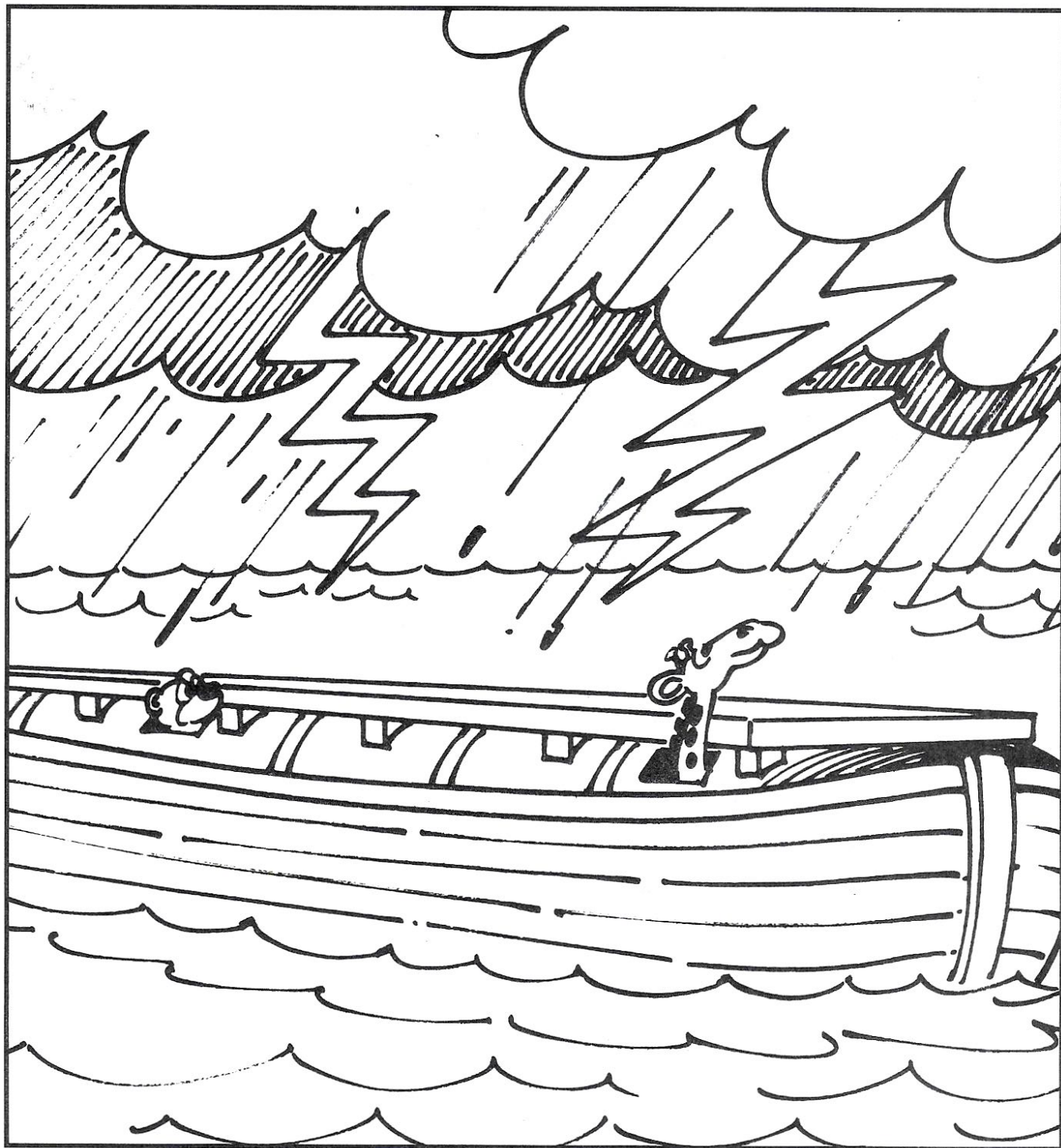
سرود خداحافظی





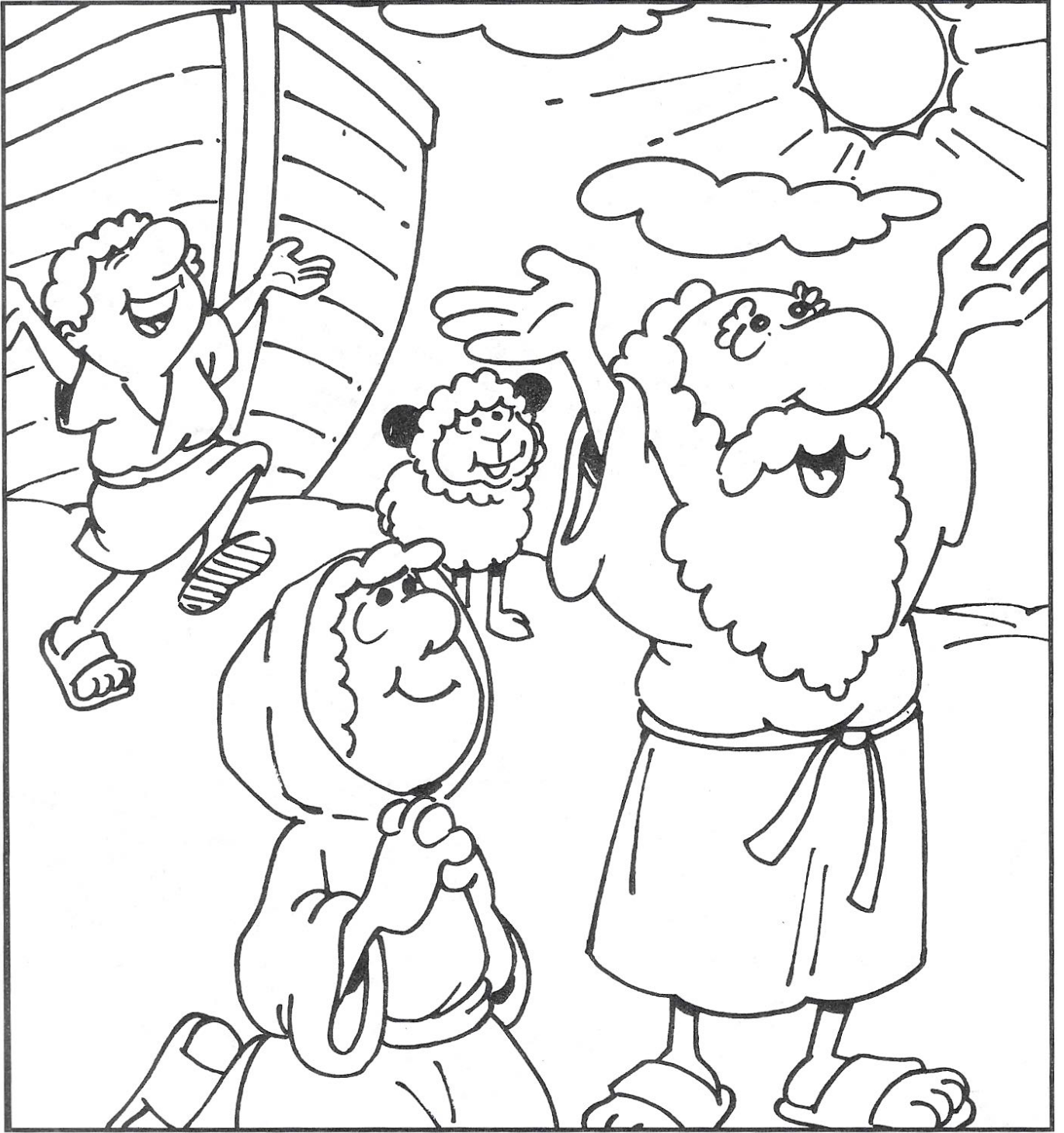


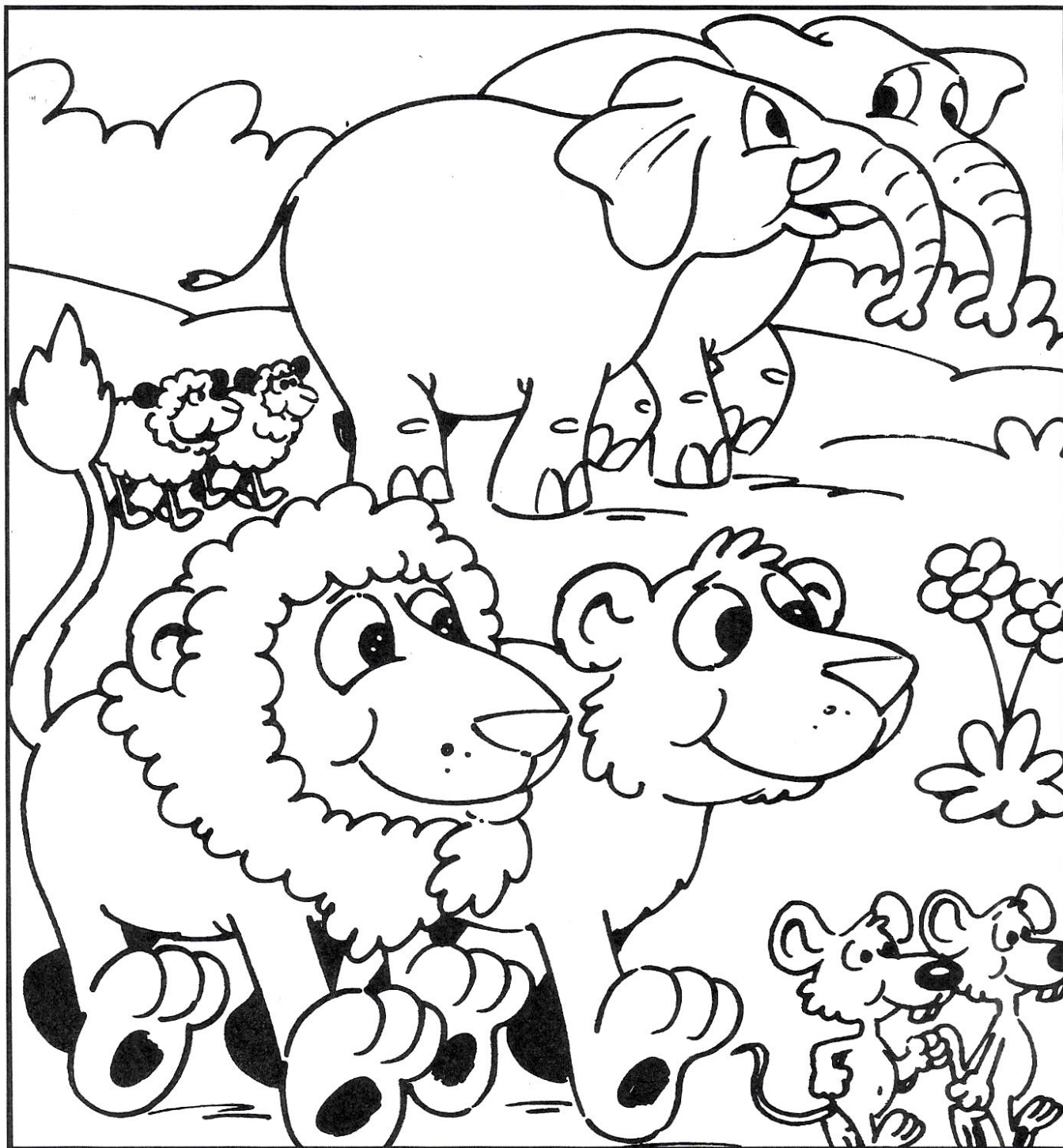




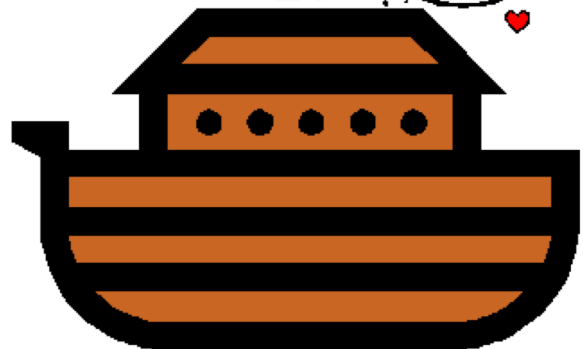
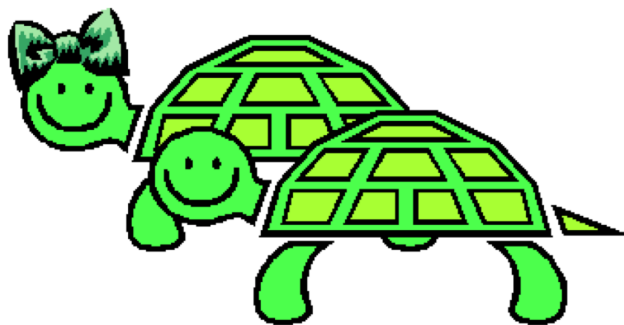
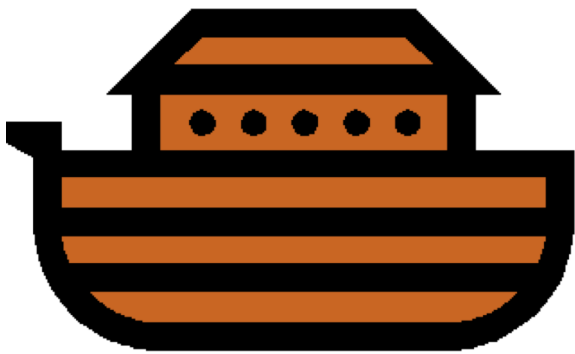
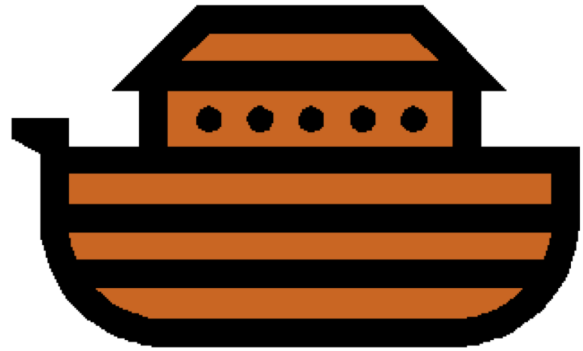
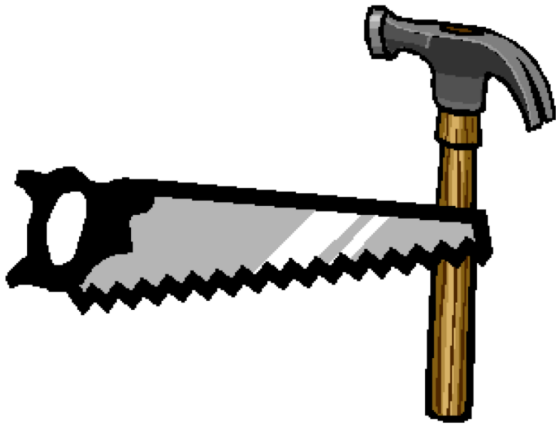
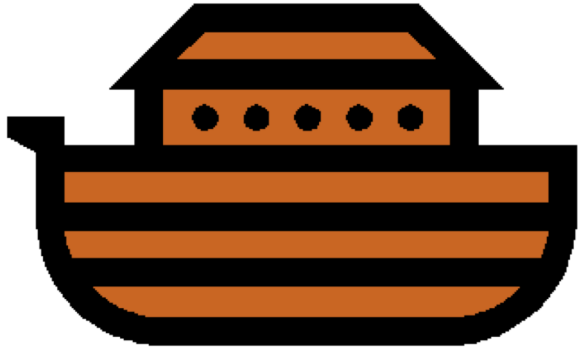






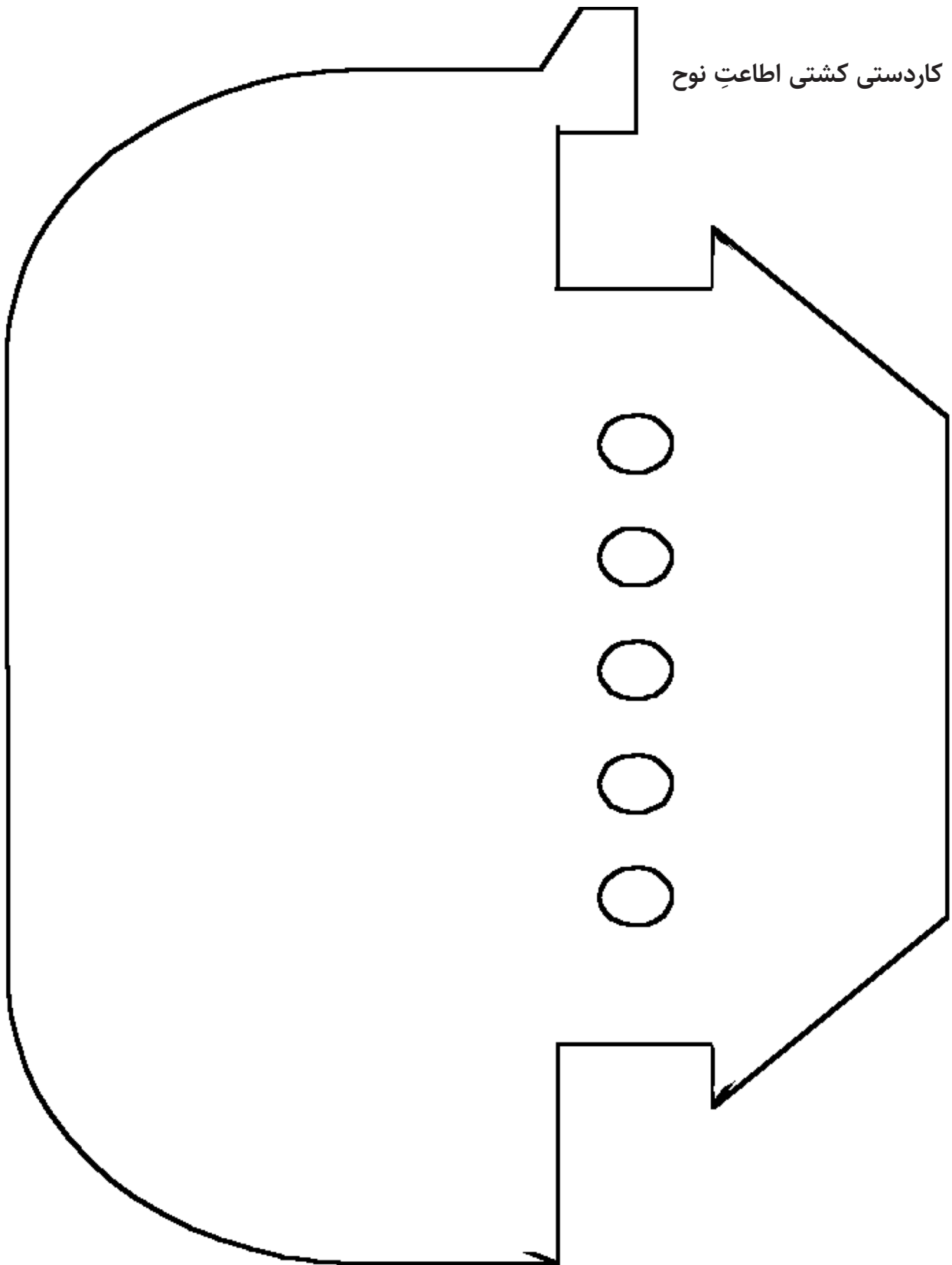


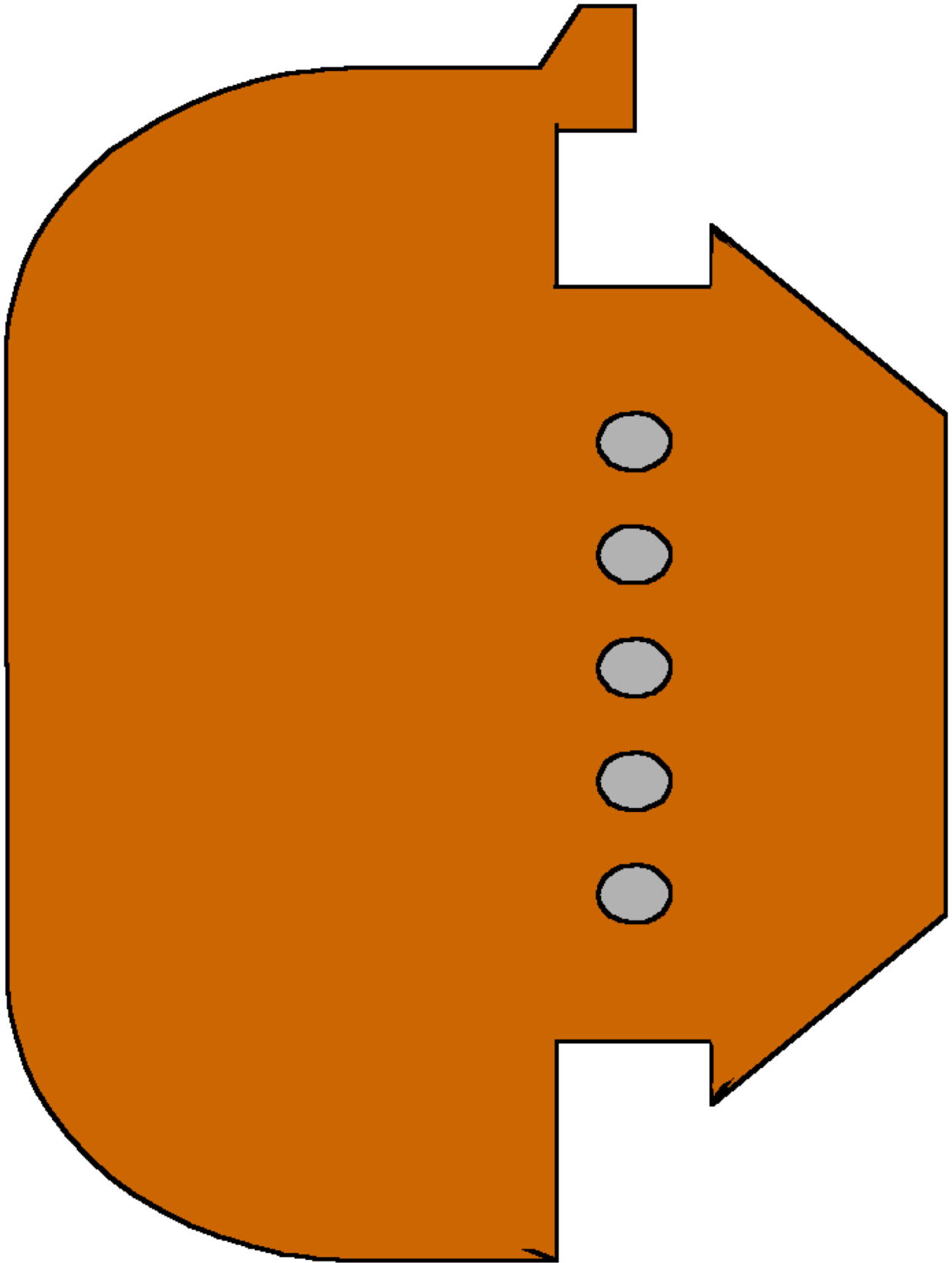






کاردستی کشتی اطاعتِ نوح

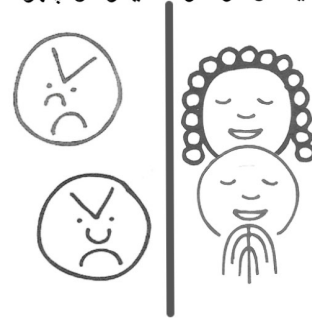






طراحی داستان

عدد 8 انگلیسی را نوشته و با استفاده از آن دو چهره بکشید. یکی برای نوح و دیگری زن او. با استفاده از U، دستها را در حال دعا بکشید. یک خط کشیده و در طرف دیگر دو چهره عصبانی بکشید.

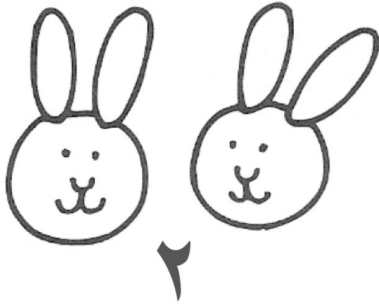


۱ ۲

قطرات باران را بکشید

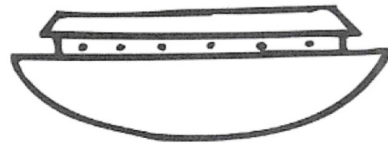


دو خرگوش بکشید و بعد عدد ۲ را بنویسید

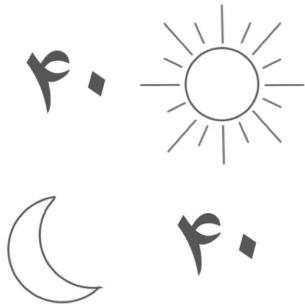


۳ ۴

کشتی را بکشید

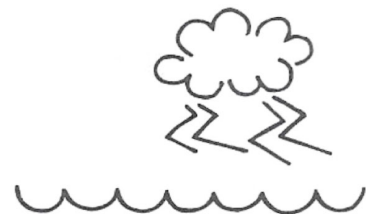


یک ماه و یک خورشید بکشید و دو تا ۴۰ بنویسید.



۵ ۶

یک ابر باران زا و رعد و برق، و آب بکشید.



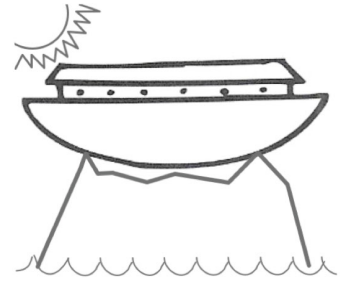


یک کبوتر بکشید.

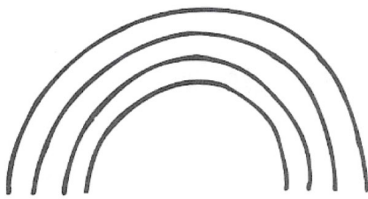


۸ ۷

کشتی را بر روی قلّه کوه بکشید
و بعد یک خورشید بکشید.

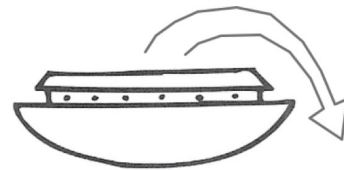


یک رنگین کمان بکشید.



۱۰ ۹

کشتی را با یک فلش بکشید تا نشان
بدهید که در حال خروج هستند.

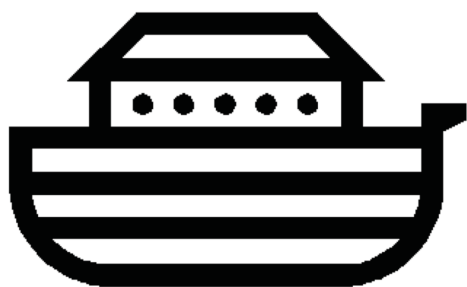




کتابچه داستان نوح

کتابچه های DLTK

نوح و کشتی او



تهیه شده توسط: لین گونتر



پرینت رایگان از <http://www.dltk-teach.com>

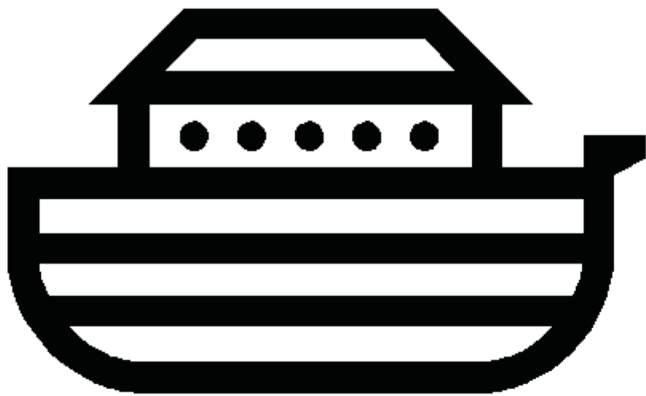


به جز یک مرد که
نامش نوح بود.

۲ ۱

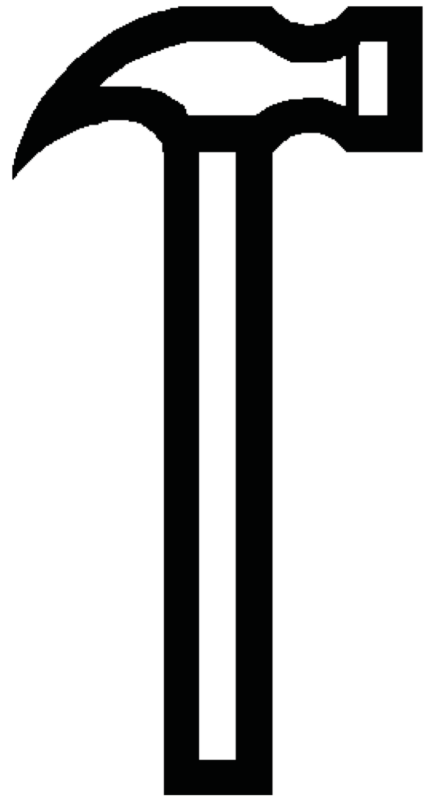


خدا دید که مردم روی
زمین، بدجنس بودند.

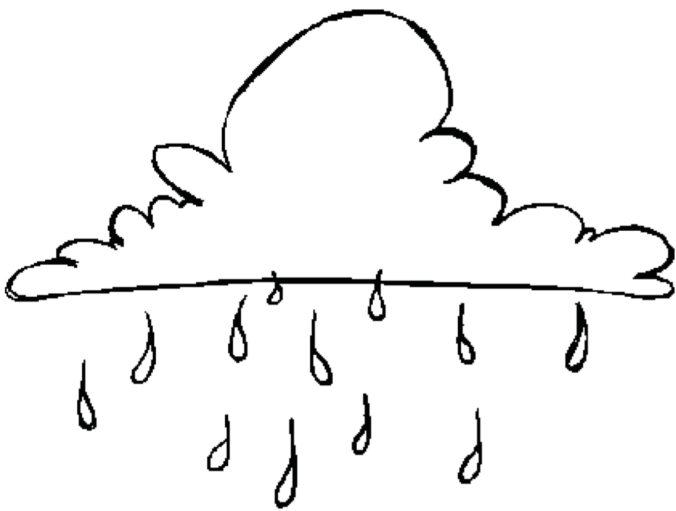


نوح اطاعت کرد. او یک
کشتی ساخت.

۴ ۳

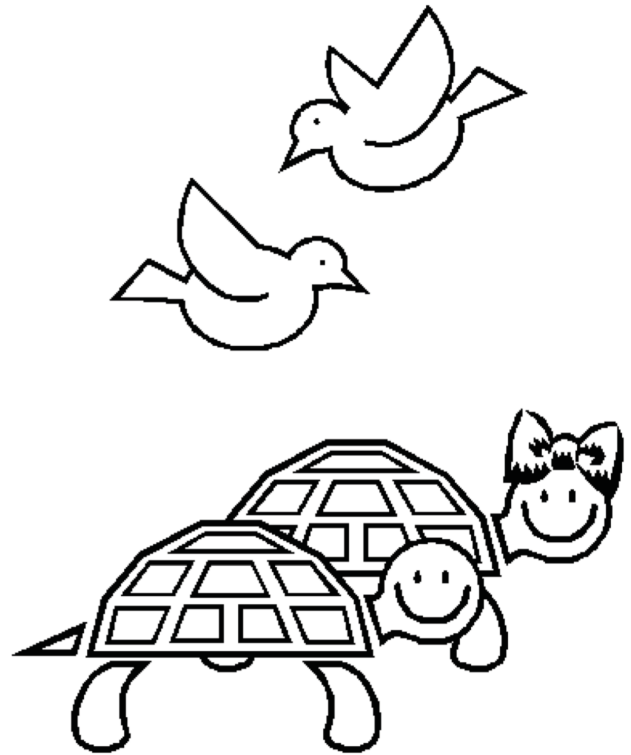


خدا به نوح گفت که
یک کشتی بسازد.

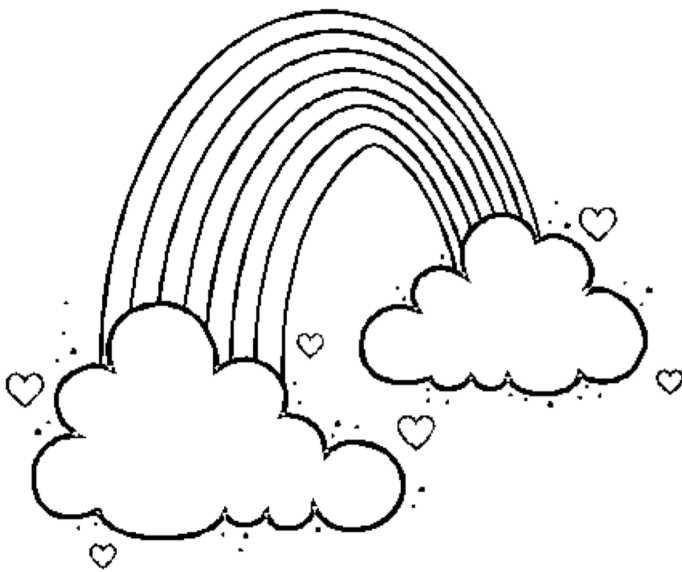


باران بارید.
آدمهای بدجنس را از بین برد.

۶ ۵

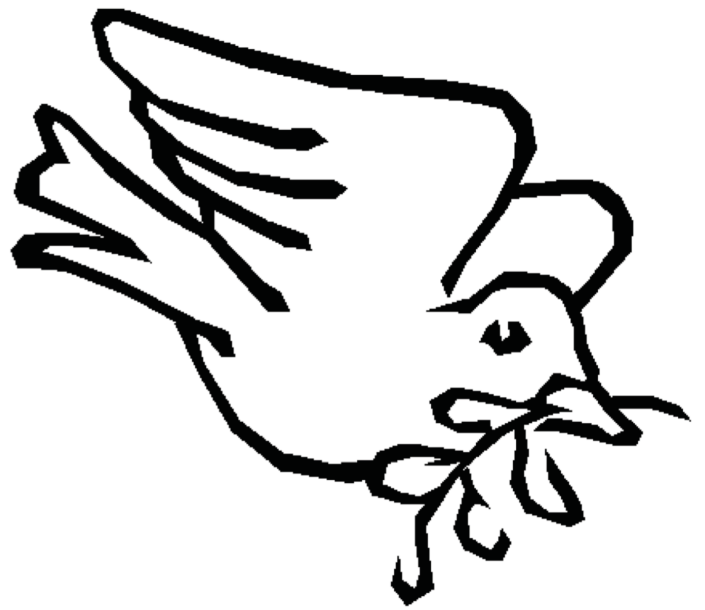


خدا یک جفت از هر حیوان
را به داخل کشتی فرستاد.



خدا به عنوان یک وعده، یک
رنگین کمان فرستاد که دیگر
هرگز چنین سیلی را نفرستد.

۸ ۷

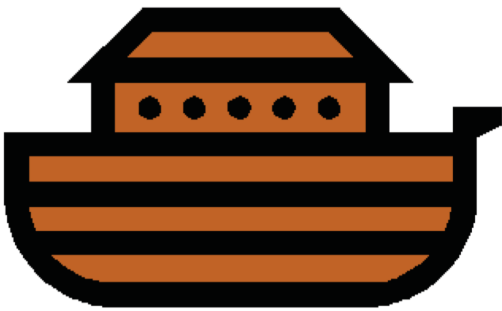


نوح یک کبوتر فرستاد تا
زمین خشک پیدا کند.
کبوتر با یک شاخهٔ زیتون برگشت.



کتابچه های DLTK

نوح و کشتی او



تهیه شده توسط: لین گونتر



پرینت رایگان از <http://www.dltk-teach.com>

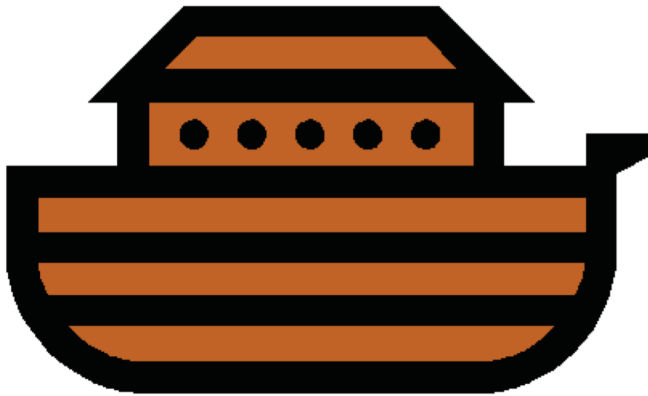


به جز یک مرد که
نامش نوح بود.

۲ ۱



خدا دید که مردم روی
زمین، بدجنس بودند.



نوح اطاعت کرد. او یک
کشتی ساخت.

۴



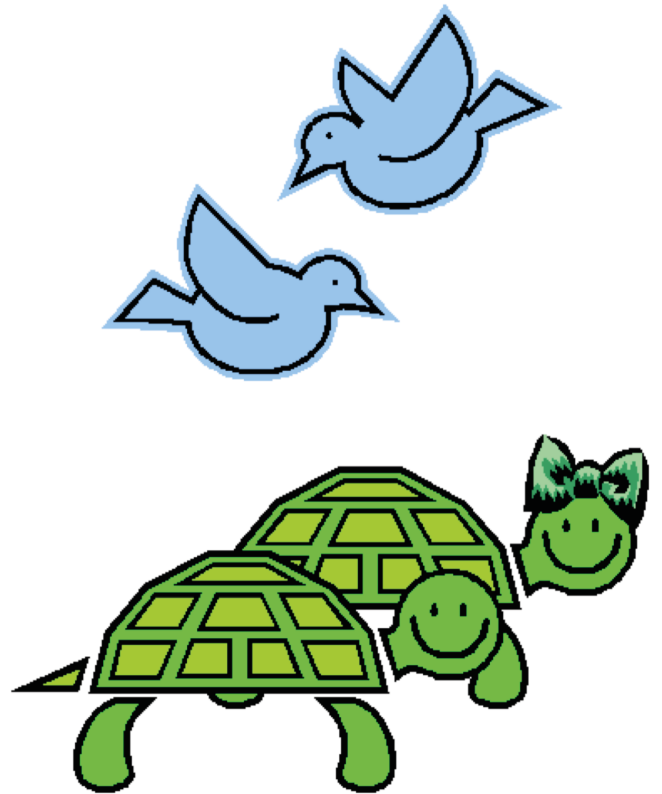
خدا به نوح گفت که
یک کشتی بسازد.

۳



باران بارید.
آدمهای بدجنس را از بین برد.

۶ ۵



خدا یک جفت از هر حیوان
را به داخل کشتی فرستاد.



خدا به عنوان یک وعده، یک رنگین کمان فرستاد که دیگر هرگز چنین سیلی را نفرستد.



نوح یک کبوتر فرستاد تا زمین خشک پیدا کند. کبوتر با یک شاخهٔ زیتون برگشت.

۸ ۷



کاردستی خدا به قول هایش عمل می کند

۱. دو بشقاب کاغذی به هر یک از بچه ها بدهید. یکی از آنها را از وسط ببرید. بچه های بالای ۵ سال می توانند خودشان این کار را انجام دهند. کشیدن یک خط در وسط بشقاب، می تواند به آنها کمک کند.



۲. بشقاب نصف شده را به بشقاب کامل منگنه کنید تا یک جیب بسازید (تصاویر حیوانات در این جیب گذاشته می شود).



۳. اکنون یک رنگین کمان، چند ابر و الگوی کشتی را به بچه ها بدهید تا آن را تزئین کرده و قیچی کنند. برای کودکان ۴ سال به پایین، قبل از کلاس تصاویر را قیچی کنید.





۴. از بچه‌ها بخواهید که بشقاب جلویی (که نصفه است) را آبی کنند که نشان‌دهنده رنگ آب است. رنگ‌های دیگر هم امکان‌پذیر هستند.



۵. به آنها کمک کنید تا این تکه‌ها و کلمات نوشته شده را در جای مخصوص، به بشقابشان وصل کنند.

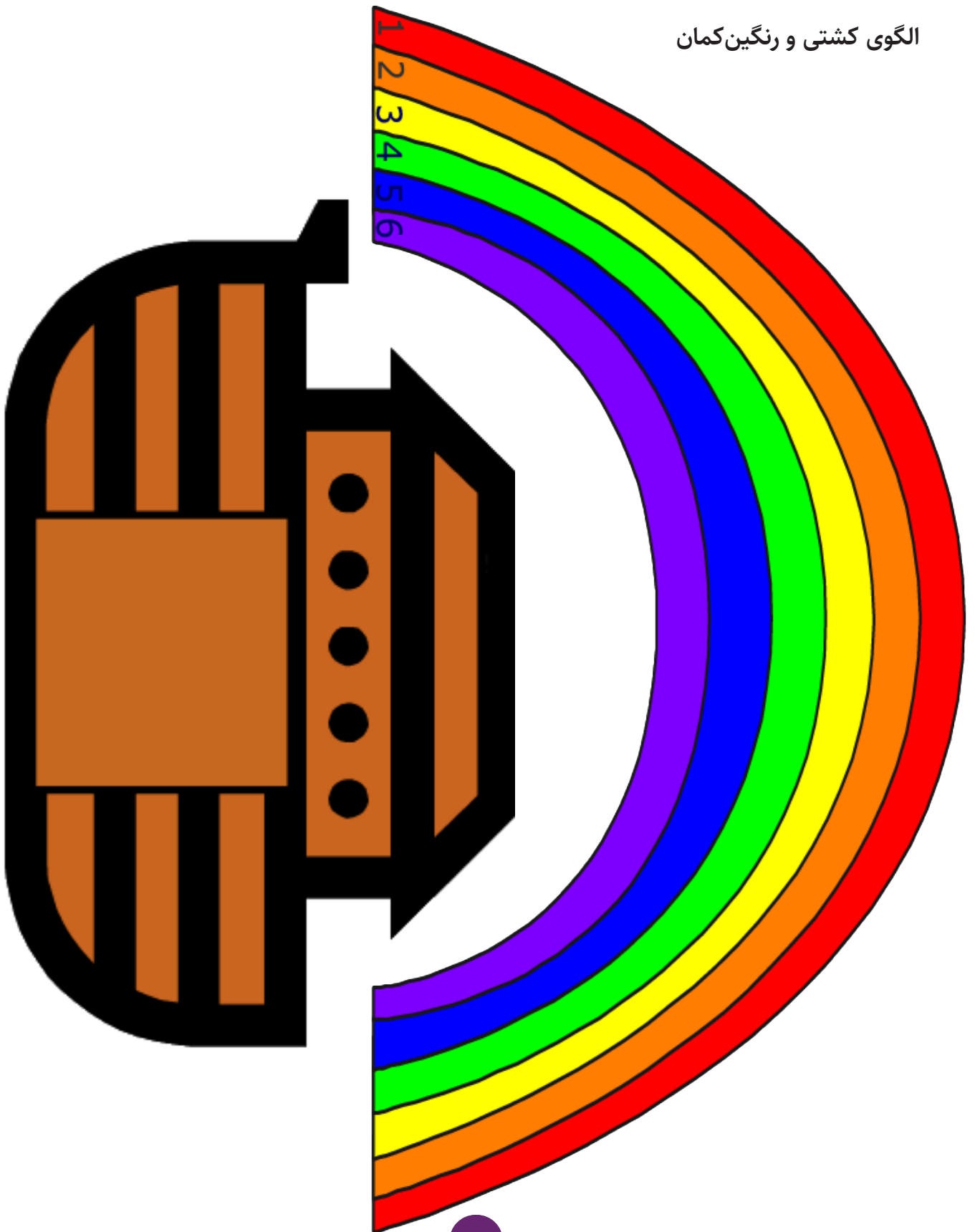


۶. قطعات حیوانات مختلف را به آنها بدهید تا آن را تزئین کرده، قیچی کنند و کشتی‌شان را با آن پر کنند.

کارتان عالی بود! کاردستی خدا به قول‌هایش عمل می‌کند تکمیل شد.

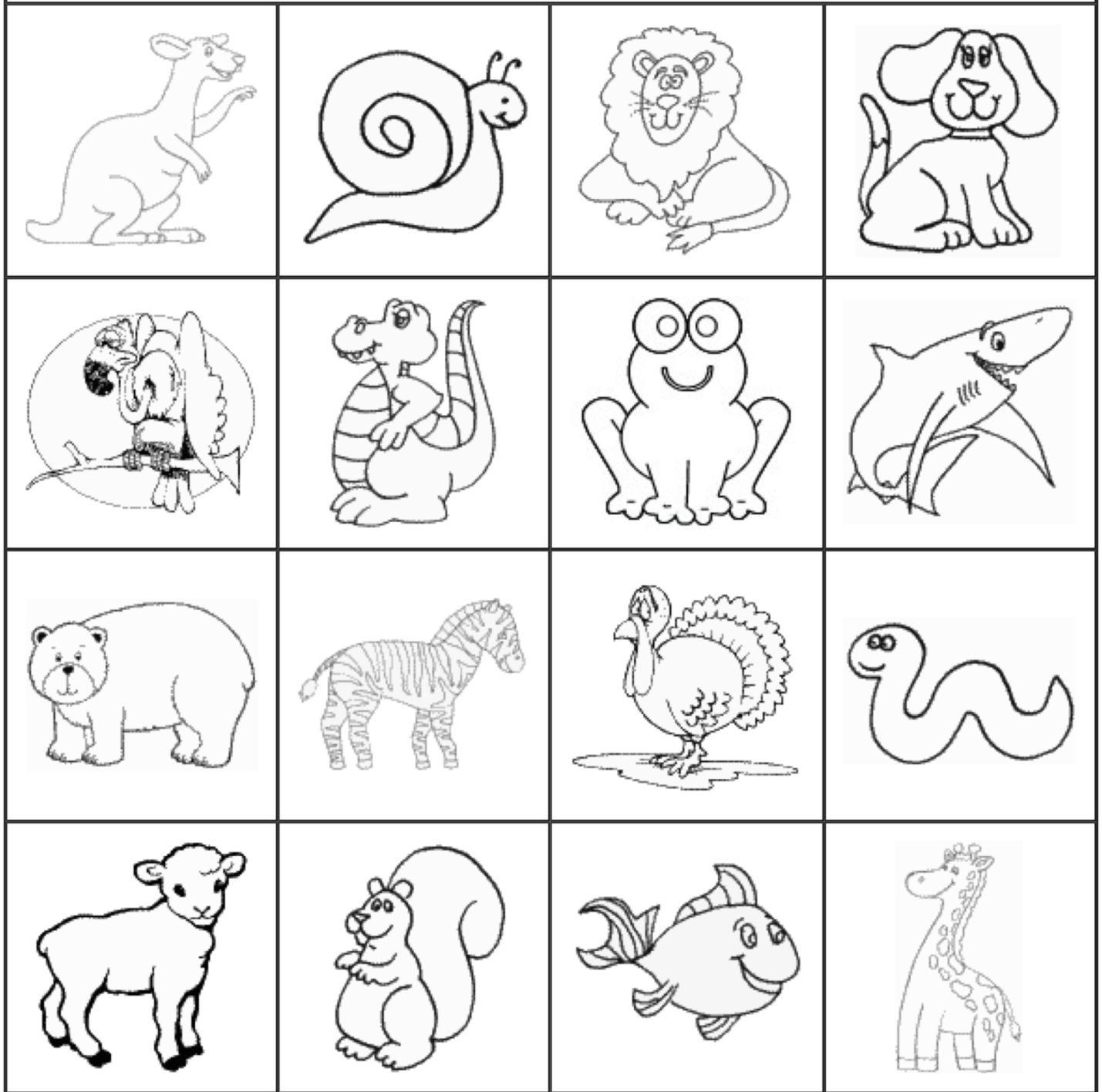


الگوی کشتی و رنگین کمان





قطعات حیوانات



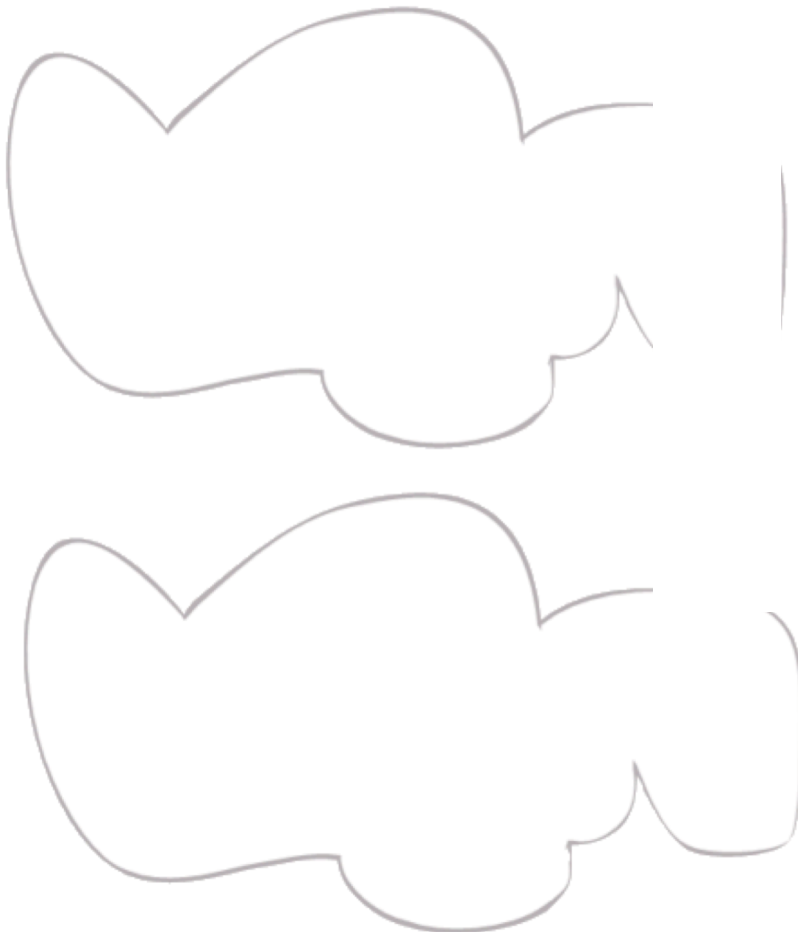


الگوی قطعات ابر

رنگین کمان خود را در ابر قرار داده ام،
و آن نشان عهدهی خواهد بود که میان
من و زمین است. پیدایش 9: 13

"...با تو خواهم بود. تو را ترک نخواهم کرد
و وا نخواهم گذاشت." یوشع 1: 5

خدا به وعده های خود عمل می کند!





منابع

راهنمای طراحی داستان با کمک

KidsTime Curriculum God's Big Picture Leaders Guide, Copyright 1999 by Gospel Light, Ventura CA, USA, 93006 (نباید برای تبلیغات بازرگانی، آگهی یا فروش یک محصول یا خدمات به کار رود).

تصاویر داستان برگرفته از

The Gigantic Book of Bible Stories, Copyright 2013 by Tyndale House Publishers Inc., Carol Stream Illinois, USA, 60188

تصاویر رنگ آمیزی برگرفته از

Bible Story Coloring Pages, by Gospel Light, Venture CA, USA, 93006, Illustrated by Chizuko Yasuda. تمامی حقوق محفوظ است (نباید برای اهداف بازرگانی، به منظور کار در کلیساها و

سازمان‌های مسیحی به کار رود).

کتابچه کوچک کشتی نوح، برگرفته از

<http://www.dltk-bible.com/genesis/noahbook/index.htm>

کارت‌های ترتیب داستان کشتی نوح، برگرفته از

<http://www.dltk-bible.com/genesis/noahbook/sequencing.htm>

کاردستی کشتی نوح، برگرفته از

<http://www.dltk-bible.com/mobedienceark.html>

کاردستی‌های دیگر برای کشتی نوح، برگرفته از

<http://www.first-school.ws/activities/bible/rainbow.htm>

